

Phenomenology of the Concept of Permanent Teachers in Students' Experience

Mozhdeh Alizadeh^{1*}, Morad Yari Dahnavi²

1. Ph.D. in Philosophy of Islamic Education, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

(Received: September 17, 2020; Accepted: September 3, 2021)

Abstract

The aim of the current research is the phenomenology of the concept of permanent teachers in students' experience. The research method was qualitative and phenomenological. Based on this, 13 students of Shahid Bahonar University of Kerman were selected by the voluntary-targeted sampling method and a semi-structured interview was conducted with them. The analysis of the interviews was done using the Claysey method. Findings indicate that a lasting teacher is a teacher who tries to comply with the three dimensions, which are the same main themes, in himself or in their education. These three dimensions or the main theme include the educational dimension, the external dimension, and the moral-communication dimension. In the educational dimension, four sub-themes were obtained, including attention to the motivation of the teachers' progress, self-empowerment, commitment and the use of many and varied teaching methods and techniques. The second theme included the appearance dimension, with a sub-theme of maintaining the values related to the role of a teacher, the third theme also included two sub-themes of acceptance and increasing good moral skills in them. From the analysis of the content of the students' statements, it was found that most of the extracted codes belonged to the communication-ethical dimension, and this shows that teachers pay more attention to how to communicate and maintain teachers' moral values in relation to themselves. After that, the didactic dimension was given more attention than the outward dimension. Finally, the appearance dimension, although it had a smaller number of codes in the statements of the participants, was still very important.

Keywords: Lasting, Lived experience, Students, Teachers.

* **Corresponding Author, Email:** malizadeh1229@gmail.com

پدیدارشناسی مفهوم معلمان ماندگار در تجربه زیسته دانش آموزی دانشجویان

مژده علیزاده^{۱*}، مراد یاری دهنوی^۲

۱. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲)

چکیده

هدف پژوهش حاضر پدیدارشناسی مفهوم معلمان ماندگار در تجربه زیسته دانش آموزی دانشجویان است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. بر این اساس ۱۳ دانشجوی دانشگاه شهید باهنر کرمان با روش نمونه‌گیری داوطلب - هدفمند انتخاب و با آن‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش کلایزی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که معلم ماندگار معلمی است که در رعایت سه بعد که در واقع، همان مضمون‌های اصلی هستند، در خود و یا در تحصیل آن‌ها بکوشد. این سه بعد یا مضمون اصلی شامل بعد تعلیمی، بعد ظاهری و بعد ارتباطی _ اخلاقی می‌باشند. در بعد تعلیمی چهار زیرمضمون به دست آمد از جمله، توجه به انگیزش پیشرفت متعلمان، توان‌افزایی خود، متعهدبودن و بهره‌گیری از شیوه‌ها و فنون متعدد و متنوع تدریس. مضمون دوم شامل بعد ظاهری می‌شد، با یک زیرمضمون حفظ شئون مرتبط با نقش معلمی، مضمون سوم نیز شامل دو زیرمضمون پذیرا بودن و افزایش مهارت‌های اخلاقی نیک در آن‌ها بود. از تحلیل محتوای بیانات دانشجویان محرز شد بیشترین کدهای استخراج شده متعلق به بعد ارتباطی-اخلاقی بودند و این نشان می‌دهد متعلمان به چگونگی برقراری ارتباط و حفظ شئون اخلاقی معلمان در رابطه با خود توجه خاصی دارند. پس از آن بعد تعلیمی از توجه بیشتری نسبت به بعد ظاهری قرار داشت. در نهایت، بعد ظاهری هرچند تعداد کدهای کمتری را در بیانات مشارکت‌کنندگان به خود اختصاص داده بود، همچنان اهمیت بسزایی داشت.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، دانشجویان، ماندگار، معلمان.

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از اهم سازمان‌هایی است که برای رسیدن به اهداف خطیر خود نیازمند نیروی انسانی متعهد، کارآمد و مؤثر است. یکی از کلیدی‌ترین نیروها در این سازمان، معلمان هستند که نقش مهمی در رشد و پیشرفت نظام آموزشی و دانش‌آموزان دارند. مطابق با نتایج تحقیقات، یک معلم با کیفیت بالا مهم‌ترین عامل پیشرفت دانش‌آموزان است (استرانک، مارش و برونو، ۲۰۱۷). مخصوصاً امروزه در قرن ۲۱ که تقاضا برای یادگیری عمیق‌تر و پیچیده‌تر دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌های آن‌ها افزایش یافته است، توجه و تمرکز زیادی بر شیوه‌های آموزشی، تدریس و توسعه حرفه‌ای معلمان هم شده است (همیند، هایلر و گاردنر، ۲۰۱۷). توجه به کیفیت و ارتقای معلمان مسئله‌ای است که در تمامی جوامع و در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است، یکی از دلایل آن این است که معلمان با چالش‌های ناشی از تغییرات در سیستم آموزشی مواجه هستند، بنابراین آن‌ها باید به طور مداوم مورد آموزش و ارزیابی و راهنمایی قرار بگیرند (کومبا و مواکبنجا، ۲۰۱۹). تا به معلمانی شایسته، بانگیزه و با پشتوانه تبدیل شوند (سینیولو، ۲۰۱۷). ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست، نظام آموزش و پرورش ایران نیاز به معلمانی متعهد، دلسوز، توانگر و با مهارت‌های حرفه‌ای بالا دارد تا نه تنها تضمینی برای پیشرفت و موفقیت دانش‌آموزان باشد، بلکه بهره‌وری و کارایی نظام آموزشی نیز افزایش یابد (زکی، ۱۳۸۸). معلمان شایسته و مطلوب کسانی هستند که هم در یادگیری دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف خطیر تعلیم و تربیت کوشش کنند و هم در افکار، رفتار و نگرش‌های معنوی آن‌ها تأثیرات مثبت بگذارند و در همان حال که معلم هستند مربی نیز باشند تا همواره به عنوان الگویی نیک از آن‌ها یاد شود. اما متأسفانه امروزه یکی از بزرگترین ضعف‌های نظام آموزشی، یا عامل عدم موفقیت آن نبود چنین معلمانی است (صافی، ۱۳۸۵). شواهد حاکی از آن است که اکثر معلمان صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها و شرایط لازم برای کارکردن در این مقام خطیر را دارا نیستند (قائمی، ۱۳۶۴). افت تحصیلی دانش‌آموزان، ترک تحصیل و نتایج ضعیف

-
1. Strunk, Marsh & Bruno
 2. Hammond, Hyley & Gardner
 3. Komba & Mwakabenga
 4. Sinyolo

عملکرد برخی از آن‌ها نشان‌دهنده نارضایتی دانش‌آموزان و وجود آسیب‌های متعدد در نظام آموزشی است که از جمله علّت‌های آن ناکارآمدی معلمان است (پیری و بردزردی، ۱۳۹۴). بی‌علاقگی معلمان به تدریس، نگاه مادی‌گرایانه و تلاش نکردن در جهت کسب شایستگی‌های یک معلم مطلوب به عنوان الگویی نیک برای دانش‌آموزان نیز به مشکلات فوق دامن می‌زند که از جمله دلایل بروز این مسئله را می‌توان در ضعف در سیستم گزینش معلم، ناکارآمدی نظام تربیت معلم و توجه نکردن به کیفیت آموزشی آن‌ها و توجه نکردن به اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین دانست.

کمبود معلمان باصلاحیت و شایسته می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری را بر پیکره نظام آموزشی مخصوصاً آینده دانش‌آموزان وارد کند. یکی از حداقل‌ترین گام‌هایی که می‌توان در این زمینه برداشت انجام مطالعه و کاوش در یافتن صفات مطلوب یک معلم است تا به عنوان راهنمایی در اختیار نظام آموزشی قرار گیرد. زیرا این معلمان محبوب و ماندگار هستند که تأثیر مثبت خود را به شدت هر چه تمام‌تر بر ذهن و نگرش دانش‌آموزان گذاشته و دانش‌آموزان را در مسیر مطلوب هدایت و تربیت می‌کنند، ضمن آنکه متعلمان همواره از آن‌ها به نیکی یاد می‌کنند. از این جهت استخراج ویژگی‌های یک معلم ماندگار و تلاش در جهت به کارگیری آن می‌تواند عرصه بسیار مفیدی را برای معلمان و تمامی دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت فراهم کند، تا آن‌ها نیز با مزین کردن خود به این خصایص به نحوی در فراهم کردن فضای امن برای دانش‌آموزان به همراه حفظ سلامت روانی آن‌ها و افزایش رشد و ارتقای آن‌ها بکوشند. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که نوآوری پژوهش حاضر در انتخاب جامعه آماری و افراد نمونه است که برای اولین بار دانشجویان به دلیل تجربه وسیعی که از زمان تحصیل در مدارس دارند مورد مطالعه قرار گرفتند، مضاف بر آن به کارگیری روش پدیدارشناسی مخصوصاً در این جامعه آماری از نوآوری‌های دیگر پژوهش است. لذا با توجه به ناکافی بودن پژوهش‌ها در این زمینه، پژوهش حاضر در صدد بررسی پدیدارشناسی مفهوم معلمان ماندگار در تجربه زیسته دانش‌آموزی دانشجویان است.

در زمینه پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون پژوهش‌هایی در باب صلاحیت‌ها یا اثربخشی یک معلم یا استاد مطلوب انجام شده است، از جمله رزی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای ابعاد مؤلفه‌های

اثربخش از دیدگاه منابع و صاحب‌نظران را در مؤلفه‌هایی چون ویژگی‌های شخصیتی، ساحت تربیتی، تدریس مؤثر، مدیریت کارآمد و موارد دیگر نتیجه گرفتند. ماجدی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۸) در پژوهشی صلاحیت‌های معلمان را در ۵ مؤلفه اعم از دانش حرفه‌ای، مهارت‌های حرفه‌ای، ویژگی‌های حرفه‌ای، نگرش‌های حرفه‌ای و توانایی‌های حرفه‌ای نتیجه گرفتند. علیزاده و جویباری (۱۳۹۵) دریافتند میان مهارت‌های ارتباطی و قدرت کلام و بیان معلمان با انگیزه پیشرفت متعلمان رابطه معناداری وجود دارد. سازر^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود دریافت از دیدگاه دانش‌آموزان ابتدایی مهم‌ترین و اثربخش‌ترین رفتارهای معلمان شامل تماس چشمی، لبخند دوستانه و مثال‌های شخصی می‌شوند. تورمن^۲ (۲۰۱۹) ویژگی‌های یک معلم اثربخش را در داشتن مؤلفه‌های شایستگی در دانش موضوعی، مهارت‌های تدریس، ویژگی‌های شخصی و توسعه حرفه‌ای نتیجه گرفت. اکباس، کانکن و کیلیک^۳ (۲۰۱۹) شایستگی‌های یک معلم ریاضی از دیدگاه دانش‌آموزان را در ۴ گروه ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت صحیح کلاس و روش‌های تدریس قرار دادند. کلکن و داگلی^۴ (۲۰۲۱) در تحقیق خود نتیجه گرفتند ویژگی‌های یک معلم ایده‌آل از دیدگاه دانش‌آموزان در این است که درس‌های خوب و سرگرم‌کننده بدهد، میان دانش‌آموزان تبعیض نگذارد و با آن‌ها ارتباط دوستانه و آرام داشته باشد. کومبا و مواکبنا (۲۰۱۹) با تحقیق روی دانش‌آموزان، ۹۴ ویژگی مطلوب برای معلمان را دریافت که مهم‌ترین آن‌ها درک دانش‌آموز و داشتن روابط دوستانه بود. آلن^۵ و همکاران (۲۰۱۳) با تحقیق روی ۶۴۳ دانش‌آموز دریافتند معلمانی که در ایجاد فضای احساسی مثبت و با حساسیت به نیازها و دیدگاه‌های دانش‌آموزان و استفاده از شیوه‌های یادگیری جذاب و حل مسئله می‌کوشند پیشرفت تحصیلی بیشتری در دانش‌آموزان آن‌ها وجود دارد. در نهایت، با مطالعه پیشینه پژوهش محرز شد اکثر این پژوهش‌ها به بیان یافته‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی پرداخته‌اند، یا نمونه‌های آن‌ها اکثراً دانش‌آموزان بوده‌اند. اما باید توجه کرد دانش‌آموزان تا زمانی که در مدرسه هستند به دلایلی چون امکان پنهان کردن تجارب خود به دلیل نگرانی از عواقب گفته‌های

1. Sozer
2. Toraman
3. Akbas, Cancan & Kiliç
4. Kalkan & Dagli
5. Allen

خود و سوگیری‌هایی که ممکن است پیش آید و همچنین، نداشتن تجربه کافی در این زمینه نتوانند تجارب خود را به راحتی بیان کنند، لذا قشر دانشجو گزینه مناسب‌تری برای مطالعه می‌باشند. همچنین، جای پژوهش‌های کیفی به خصوص به شیوه پدیدارشناسی در این زمینه بسیار کم‌رنگ است که پژوهش حاضر در صدد کاهش این خلأها است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از جهت هدف، کاربردی است. زیرا پژوهش‌های کاربردی به منظور رفع نیازها و مشکلات جامعه و بهبود شرایط انجام می‌شوند که این پژوهش نیز در همین راستا انجام شده است. همچنین در چارچوب روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسانه است. پدیدارشناسی مطالعه پدیده‌ها است، آنچه که در تجربه ما به عنوان اول شخص ظهور می‌کند، دارای معانی است که پدیدارشناسی به بررسی آن می‌پردازد (اسمیت^۱، ۲۰۰۶). هدف از پدیدارشناسی بررسی تجربه افراد به صورت عمیق و کشف معانی نهفته آن‌ها است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود که سیزده دانشجو بر اساس روش نمونه‌گیری داوطلب- هدفمند انتخاب شدند. در ابتدا هدف از تحقیق و محرمانه بودن اطلاعات به دانشجویان گفته می‌شد، سپس، در صورت موافقت و رضایت کامل آن‌ها مصاحبه انجام می‌شد. برای تعیین حجم و تعداد نمونه از اصل اشباع نظری استفاده شد، به این صورت که گزینش نمونه‌ها تا رسیدن به حد اشباع یعنی تکراری شدن مقولات و به عبارت دیگر زمانی که محرز شد دیگر از سوی مشارکت‌کنندگان اطلاعات جدیدی داده نمی‌شود و بیشتر تکرار مقوله‌های قبلی است، ادامه یافت. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود، به این دلیل که در مصاحبه افراد مستقیماً به بیان تجارب همراه با نگرش‌ها، عواطف و احساسات خود می‌پردازند و به نوعی برون‌ریزی درونیات خود در باب پدیده مورد نظر انجام می‌شود، از این جهت، ابزار مصاحبه روش مؤثرتری برای شناخت و پی‌بردن به نگرش‌ها، عواطف و احساسات افراد و با انعطاف‌پذیری بالاتری است. بنابراین، چند پرسش کلی از قبل تعیین شد و هدف کسب اطلاعات دقیق از مصاحبه‌شونده بود. ضمن اینکه در

حین مصاحبه هر پرسش با پرسش‌های جزئی‌تر دنبال می‌شد و از مصاحبه‌شونده خواهش می‌شد اطلاعات بیشتری دهد تا پدیده روشن‌تر شود. مدت زمان مصاحبه‌ها معمولاً ۳۰ دقیقه به طول می‌کشید. همچنین، برخی مشارکت‌کنندگان که فی‌البداهه نمی‌توانستند پاسخ دهند سؤالات به صورت کتبی در اختیار آن‌ها قرار گرفت و بعد از چند روز پاسخ‌ها به صورت کامل و مبسوط تحویل شد. به منظور محرمانه ماندن اطلاعات به هر یک از مشارکت‌کنندگان یک کد اختصاص داده شد و داده‌ها از طریق کدها تحلیل شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. مطابق با این شیوه در مرحله اول کلیه متون مصاحبه و نوشته‌ها کامل و و دقیق خوانده شدند تا درک کلی از بیانات مشارکت‌کنندگان به دست آمد. سپس، معانی تجارب به صورت کدهای اولیه استخراج شدند. موارد کدگذاری شده با توجه به شباهت‌هایشان در دسته یا خوشه مرتبط با خود قرار گرفتند که منجر به استخراج زیرمضمون‌ها شد. گوبا و لینکن^۱ (۱۹۹۵) در انجام پژوهش‌های کیفی معیار اعتبار را معادل با روایی درونی، تأیید را معادل عینیت و اعتماد را پایایی در تحقیق‌های کمی می‌دانند (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰). بنابراین، در پژوهش حاضر نیز جهت تأیید صحت یافته‌ها، محققان نظرات شخصی خود را در مراحل تحقیق از جمله جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها کنار گذاشتند، و همچنین، با استناد به نتایج تحقیقات دیگر به تأیید نتایج این پژوهش پرداختند. برای تعیین اعتبار پژوهش نیز محقق بعد از انجام مصاحبه با ۱۳ نفر دریافت که دیگر اطلاعات جدیدی داده نمی‌شود و جهت تأیید اعتمادپذیری یافته‌ها نیز از روش نظارت همکاران استفاده شد. به این معنا که محققان در فرایند پژوهش با یکدیگر در گفت‌وگو و توافق کامل بودند. در جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان بیان می‌شود.

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کننده‌ها

شماره	رشته تحصیلی	جنس	سن	مقطع تحصیلی
۱	الهیات	زن	۲۱	کارشناسی
۲	روانشناسی	زن	۱۹	کارشناسی
۳	روانشناسی	مرد	۲۲	کارشناسی
۴	الهیات	زن	۱۹	کارشناسی

شماره	رشته تحصیلی	جنس	سن	مقطع تحصیلی
۵	علوم تربیتی	زن	۲۱	کارشناسی
۶	تربیت بدنی	زن	۱۸	کارشناسی
۷	روانشناسی	مرد	۱۹	کارشناسی
۸	تاریخ	مرد	۲۱	کارشناسی
۹	علوم تربیتی	زن	۱۹	کارشناسی
۱۰	فیزیک	زن	۲۱	کارشناسی
۱۱	شیمی	مرد	۲۱	کارشناسی
۱۲	روانشناسی	مرد	۱۹	کارشناسی
۱۳	علوم اطلاعات و ارتباطات	زن	۲۳	کارشناسی

یافته‌های پژوهش

دانشجویان در تجارب زیسته خود از دوران مدرسه خاطرات تلخ و شیرین بسیاری داشتند که در این میان معلمان به عنوان نقطه مرکزی این خاطره‌ها و یادآوری‌ها تلقی می‌شد. در بیانات افراد مصاحبه‌شده در این پژوهش استنباط شد، معمولاً دوران ابتدایی برای آن‌ها همراه با خاطراتی شیرین‌تر و ماندگارتر بود، اما با انتقال به مقاطع بعدی این شیرینی کاهش می‌یافت. هر چند معلمانی که در مقاطع مختلف بودند چندان تغییر نمی‌کردند و در هر مقطع معلمانی با خصوصیات ویژه خود قرار داشتند. در جداول ذیل کدهای اولیه حاصل از تجربه زیسته دانش‌آموزی دانشجویان در رابطه با معلمان ماندگار و همچنین، جداول استخراج مضامین اصلی و زیرمضامین آن‌ها با توجه به کدهای اولیه ارائه شده است.

جدول ۲. کدهای اولیه حاصل از تجربه زیسته دانش‌آموزی دانشجویان در رابطه با معلمان ماندگار

ردیف	عنوان کدهای اولیه	ردیف	عنوان کدهای اولیه
۱	تحقیر نکردن دانش‌آموزان	۳۸	لبخندزدن
۲	همدردی با متعلمان	۳۹	شناخت استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان
۳	پذیرش بی‌قید و شرط دانش‌آموزان	۴۰	منظم بودن و سر وقت به کلاس آمدن
۴	بهره‌گیری از اشعار ضمن تدریس	۴۱	پوشش مناسب
۵	مسئولیت‌پذیری	۴۲	شنونده خوبی بودن
۶	بهره‌گیری از ضرب المثل ضمن تدریس	۴۳	خندیدن

ردیف	عنوان کدهای اولیه	ردیف	عنوان کدهای اولیه
۷	اقتدار همراه با احترام	۴۴	احترام متقابل
۸	بهره‌گیری از تدریس تعاملی یا مشارکتی	۴۵	حفظ شئون اسلامی
۹	خستگی ناپذیری	۴۶	تشخیص بخشی به دانش آموزان
۱۰	به بطالت نگذراندن وقت کلاس	۴۷	دلسوزی برای دانش آموزان
۱۱	انعطاف پذیری	۴۸	گوش دادن به نظرات و انتقادات دانش آموزان
۱۲	استفاده از شیوه‌های ملموس و محسوس در تدریس	۴۹	بهره‌گیری از آیات و روایات ضمن تدریس
۱۳	آموزش از طریق بازی	۵۰	همدلی با متعلمان
۱۴	رعایت بهداشت	۵۱	خوش خلقی
۱۵	عدالت‌محوری	۵۲	درک کردن همه‌جانبه دانش آموزان
۱۶	خوش برخوردی	۵۳	تبعیض نگذاشتن
۱۷	شوخی کردن	۵۴	داشتن سواد کافی
۱۸	آموزش از طریق بازی	۵۵	پوشیدن لباس‌های روشن
۱۹	داشتن ظاهر آراسته	۵۶	بهره‌گیری از ضرب‌المثل ضمن تدریس
۲۰	همه را به یک میزان دوست داشتن	۵۷	تسلط کافی بر مباحث و ارائه آن‌ها
۲۱	دادن اعتماد به نفس به دانش آموزان	۵۸	داشتن رابطه دوستی و رفاقت با دانش آموزان
۲۲	سرزنش نکردن	۵۹	داشتن عفت کلام
۲۳	تلاش در حل مشکلات متعلمان	۶۰	گذشت کردن
۲۴	انگیزه‌بخشی به دانش آموزان	۶۱	تمسخر نکردن
۲۵	ایجاد فضای رقابت سالم میان دانش آموزان	۶۲	احساس نزدیکی با دانش آموزان
۲۶	تنبیه نکردن	۶۳	عیب‌جویی نکردن
۲۷	دوری از کبر و غرور	۶۴	عصبی نبودن
۲۸	تشویق کردن	۶۵	فراهم کردن فضای مملو از نشاط برای دانش آموزان
۲۹	دوری از خشونت	۶۶	قضاوت نادرست نکردن
۳۰	رازداری، نصیحت کردن دلسوزانه	۶۷	صداقت داشتن
۳۱	وقت گذاشتن برای دانش آموزان و راهنمایی آن‌ها	۶۸	مشارکت دادن همه دانش آموزان در مباحث درسی
۳۲	تعمیم‌ندادن احساسات شخصی نادرست به متعلمان	۶۹	رابطه مادرانه داشتن با دانش آموزان
۳۳	مستبد نبودن	۷۰	چغلی نکردن
۳۴	داشتن روحیه محبت و مهرورزی	۷۱	احترام به حقوق متعلمان
۳۵	عبوس نبودن	۷۲	خلوص نیت
۳۶	اقتدار همراه با مهربانی	۷۳	نداشتن غرور و تکبر
۳۷	پیش‌داوری نکردن	۷۴	داشتن صبر و حوصله کافی

جدول استخراج مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌های مرتبط با معلم ماندگار با توجه به تجربه زیسته دانش‌آموزی دانشجویان

جدول ۲. فرایند کدگذاری و دستیابی به مضمون اصلی بعد تعلیمی و زیرمضامین آن

مضمون اصلی	زیرمضمون	نمونه کدهای اولیه
	توجه به انگیزش پیشرفت متعلمان	دادن اعتماد به نفس به دانش‌آموزان انگیزه‌بخشی به دانش‌آموزان ایجاد فضای رقابت سالم میان دانش‌آموزان تشویق کردن وقت گذاشتن برای دانش‌آموزان و راهنمایی آن‌ها مشارکت‌دادن همه دانش‌آموزان در مباحث درسی فراهم کردن فضای مملو از نشاط برای دانش‌آموزان تشخیص‌بخشی به دانش‌آموزان تحقیق‌نکردن دانش‌آموزان شناخت استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان
بعد تعلیمی	توان‌افزایی خود	داشتن سواد کافی تسلط کافی بر مباحث و ارائه آن‌ها داشتن تلاش و پشتکار زیاد خستگی‌ناپذیری
	متعهدبودن	مسئولیت‌پذیری منظم‌بودن و سر وقت به کلاس آمدن به بطالت نگذراندن وقت کلاس دلسوزی برای دانش‌آموزان توجه بیشتر به دانش‌آموزان ضعیف
	بهره‌گیری از شیوه‌های متعدد و متنوع در تدریس	استفاده از شیوه‌های ملموس و محسوس در تدریس بهره‌گیری از تدریس تعاملی یا مشارکتی بهره‌گیری از ضرب‌المثل ضمن تدریس بهره‌گیری از اشعار ضمن تدریس بهره‌گیری از آیات و روایات ضمن تدریس آموزش از طریق بازی

مطابق با جدول ۳ بعد تعلیمی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که معلم در رابطه با تعلیم یا آموزش متعلمان انجام می‌دهد. بعد تعلیمی به چهار زیرمضمون تقسیم شد: ۱. توجه به انگیزش پیشرفت در متعلمان ۲. توان‌افزایی خود ۳. متعهد بودن ۴. بهره‌گیری از شیوه‌های متعدد و متنوع در تدریس. تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در این زمینه زیاد بود، اما با توجه به محدودیت در حجم مقاله از برای بیان تجارب مشارکت‌کنندگان در تمامی کدها، در ذیل تنها به حداقلی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مضمون ۱. بعد تعلیمی

- توجه به انگیزش پیشرفت در متعلمان: مشارکت‌کنندگان به مواردی اشاره کردند که نشان می‌داد آن‌ها به طور فطری، نشاط و اشتیاق لازم برای درس خواندن و رسیدن به موفقیت را دارند و بلکه خواهان آن هستند، لذا اگر شرایط و زمینه‌های آن توسط معلمی اندیشمند فراهم می‌شد به طور حتم آثار شگفت‌انگیزی را نشان می‌داد، یکی از این زمینه‌ها دادن انگیزه به دانش‌آموزان در جهت پیشرفت روزافزون آن‌ها است. نکته دیگر اینکه اشتیاق معلمان با انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان و سرزندگی آن‌ها بیش از دیگر رفتارهای معلم ارتباط داشت. برای مثال کد ۴ می‌گفت:

«یک معلم املاء و انشاء داشتیم که خیلی برای هر یک از ما شخصیت قائل می‌شد، او با این کارش این حس را به ما منتقل می‌کرد که باید به یکدیگر شخصیت ببخشیم و به هم احترام بگذاریم. همیشه به نرمی با ما سخن می‌گفت، وقتی کلاس ایشان شروع می‌شد با شور و اشتیاق استقبال می‌کردیم».

کد ۸ می‌گفت:

«معلم فیزیک ما همچون دوستی صمیمی با ما رفتار می‌کرد و در واقع، به ما شخصیت می‌داد، هرگز زبان به بدگویی و توهین و تمسخر ما ننگشود و ما در درسش خیلی موفق بودیم. معلم ریاضی هم داشتیم که او هم متوجه می‌شد هر یک از ما دارای استعدادهای متفاوتی هستیم پس تلاش می‌کرد متناسب با ویژگی‌های هر یک از ما طوری درس بدهد که همه درس را متوجه شوند».

در همین زمینه است که کد ۳ می‌گفت:

«پادمه یکی از معلمان ابتدایی ما درس علوم را همراه با شکل به ما درس می‌داد،

از ما می‌خواست از این طرف و اون طرف هر چی که مرتبط با آن روز درس علوم می‌شد را جمع کنیم و بیاوریم. من به همین دلیل درس علوم را خیلی خوب یاد می‌گرفتم».

مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌داشت:

«در درس زبان یکی از نمره‌هایم ۱۳ شده بود که معلممان به جای سرزنش، مرا تشویق کرد، من هم همیشه درسش را می‌خواندم و نمره عالی کسب می‌کردم» (کد شماره ۳).

مشارکت‌کنندگان تحقیرشدن به وسیله معلم را که به‌وفور انجام می‌شد مانعی برای موفقیت خود می‌دیدند، ضمن اینکه اینکار سلامت روان آن‌ها را هم به خطر می‌انداخت: برای مثال کد ۷ می‌گفت: «معلم سوم ما هیچ وقت درست درس نمی‌داد و من هیچ وقت درس‌ها را یاد نمی‌گرفتم. بعد از من یا بچه‌ها درس می‌پرسید، بعضی وقت‌ها انگار عمدی از من سؤال‌های سخت می‌پرسید و چون بلد نبودم به بدترین شکل مسخره‌ام می‌کرد. هنوز به خاطر این مسئله رنجیده خاطر هستم».

- **توان‌افزایی:** مشارکت‌کنندگان برخی معلمان خود را که دارای دانش علمی، پشتکار و تلاش در جهت افزایش بهسازی خود و یادگیری دانش‌آموزان بودند، تحسین کردند، برای مثال کد ۸ می‌گفت:

«یکی از معلمای ریاضی ما همیشه خنده‌رو بود، همه دانش‌آموزان را با اسم کوچک صدا می‌زد، ریاضی را روان توضیح می‌داد، اما اگر باز هم دانش‌آموزان مطالب را متوجه نمی‌شدند، خسته نمی‌شد و همچنان با صبر و حوصله برای آن‌ها توضیح می‌داد. این باعث می‌شد که خیلی از بچه‌ها از جمله من به ریاضی علاقه‌مند شویم...».

- **متعهدبودن:** در این زمینه وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، توجه بیشتر به دانش‌آموزان ضعیف و به بطالت نگذراندن وقت بسیار برای مشارکت‌کنندگان اهمیت داشت و معلمانی که این خصایص را داشتند نزد مشارکت‌کنندگان ماندگارتر بودند: کد ۱۱ می‌گفت:

«یادمه معلم ریاضی مان که خیلی به موفقیت ما اهمیت می‌داد فرد مسئولیت‌پذیری بود، حتی در وقت‌های استراحت و تفریح در رفع اشکالات ما می‌کوشید یا می‌گفت من هر وقت شما بخواهید می‌آیم و اشکالاتتان را برطرف می‌کنم. خلاصه با خلوص نیت تمام وقت و انرژی‌اش را صرف ما می‌کرد».

بر خلاف آن به بطالت گذراندن وقت و احساس مسئولیت‌نکردن درباره کلاس و دانش‌آموزان توسط معلم یکی از بزرگ‌ترین عوامل عدم یادگیری مطلوب و نارضایتی محسوب می‌شد: «یکی از معلمانی که اصلاً برایم مقبول نبود، معلم ریاضی‌ام بود که خوب درس نمی‌داد، همیشه خود را با گوشی‌اش سرگرم می‌کرد و جواب سؤال‌های بچه‌ها را نمی‌داد. درس را فقط در ده دقیقه می‌داد، و بقیه وقت را به بطالت می‌گذراند و همیشه هم ادعای معلومات می‌کرد... همش سر کلاس می‌خوابید» (کد شماره ۵). توجه ویژه به دانش‌آموزان ضعیف‌تر و کمک به آن‌ها با صبر و حوصله بیشتر یکی دیگر از دغدغه‌های دانشجویان بود. چنانکه کد ۱۳ می‌گفت:

«من در دبستان شاگرد ضعیفی بودم، هیچکس هم بهم کمک نمی‌کرد، بیشتر تحقیر می‌کردند و اسمم رو به عنوان تنبل رد می‌کردند، اما در کلاس‌های بالاتر یکی از معلمانم خیلی کمکم کرد و باعث پیشرفتم شد».

- بهره‌گیری از شیوه‌های متعدد و متنوع در تدریس: مشارکت‌کنندگان بیشتر از معلمانی رضایت داشتند که شیوه‌های تدریس مؤثرتر و خلاقانه‌تری داشتند، به گونه‌ای که با فراهم کردن فضایی شاد در کلاس منجر به یادگیری مطلوب‌تر دانش‌آموزان هم می‌شد. در این زمینه است که یکی از دانشجویان می‌گفت:

«یکی از معلمان من تدریس خود را به شیوه‌های مختلفی می‌داد، مثلاً رستم خوانی اجرا می‌کرد، و ما را با قصه‌های شاهنامه آشنا می‌کرد، مشاعره برگزار می‌کرد، درس‌هایی را که به صورت شعر بودند به ما می‌گفت و از ما می‌خواست به صورت نمایش بازی کنیم که در یادگیری ما خیلی نقش داشت...» (کد شماره ۷).

کد ۵ می گفت:

«یادمه دبیر شیمی مان ما را وادار به آزمایش و فعالیت می کرد، همش درس می داد، و لحظه ای ما را به حال خودمان نمی گذاشت، حتی جدول های شیمی را با شعر و جمله به ما یاد می داد».

کد ۲ می گفت:

«یکی از معلمان من خیلی خوش اخلاق و مهربان بود، درس قرآن و عربی را به صورت داستان می داد، قواعد را در قالب شعر تدریس می کرد که این باعث می شد من قواعد عربی را خیلی خوب یاد بگیرم».

جدول ۴. فرایند کدگذاری و دست یابی به مضمون اصلی بعد ظاهری و زیرمضامین آن

مضمون اصلی	زیرمضمون	نمونه کدهای اولیه
بعد ظاهری	حفظ شئونات متناسب با نقش معلمی	داشتن ظاهر آراسته پوشیدن لباس های روشن رعایت بهداشت پوشش مناسب حفظ شئونات اسلامی

مضمون ۲. بعد ظاهری

– حفظ شئونات متناسب با نقش معلمی: بخشی از کدهای حاصله از تجارب زیسته دانشجویان به ظاهر معلم از جمله پوشیدن لباس های روشن، تمیزبودن، حفظ شئونات اسلامی و پوشش مناسب اشاره داشت. برای مثال کد ۵ می گفت:

«تا جایی یادم است از معلم کلاس اولمان خیلی خوشم می آمد، چون خیلی مرتب و تمیز بود، مانتوهای رنگی می پوشید، بسیار مهربان بود، لهجه زیبایی داشت و وقتی کنارمان می آمد که به ما دست خط بدهد از دهانش بوی گل می آمد. با خوشرویی با بچه ها احوالپرسی می کرد...».

جدول ۵. فرایند کد گذاری و دستیابی به مضمون اصلی بعد ارتباطی-اخلاقی و زیرمضامین آن

مضمون اصلی	زیرمضمون	نمونه کدهای اولیه
بعد ارتباطی - اخلاقی	پذیرا بودن	گوش دادن به نظرات و انتقادات دانش آموزان شنونده خوبی بودن همدردی با متعلمان همدلی با متعلمان پذیرش بی قید و شرط دانش آموزان انعطاف پذیری درک کردن همه جانبه دانش آموزان شوخی کردن خندیدن لیخندزدن داشتن رابطه دوستی و رفاقت با دانش آموزان رابطه مادرانه داشتن با دانش آموزان احساس نزدیکی با دانش آموزان همه را به یک میزان دوست داشتن
افزایش مهارت های اخلاقی		داشتن عفت کلام، سرزنش نکردن، تنبیه نکردن، گذشت کردن، تمسخر نکردن، پیش داوری نکردن، قضاوت نادرست نکردن، تعمیم ندادن احساسات شخصی نادرست به متعلمان، عیب جویی نکردن، داشتن صبر و حوصله، دوری از کبر و غرور، عصبی نبودن، چغلی نکردن، مستبد نبودن، عبوس نبودن، دوری از خشونت، داشتن خلوص نیت، عدالت محوری، تبعیض نگذاشتن، احترام به حقوق متعلمان، داشتن روحیه محبت و مهرورزی، تلاش در حل مشکلات متعلمان، رازداری، نصیحت کردن دلسوزانه، صداقت داشتن، خوش خلقی، خوش برخوردی، احترام متقابل، اقتدار همراه با احترام، اقتدار همراه با مهربانی، نداشتن غرور و تکبر

مضمون ۳: بعد ارتباطی-اخلاقی

- پذیرا بودن: در تجارب زیسته مشارکت کنندگان از دیگر خصایص یک معلم ماندگار و همیشه زنده در نزد آنها داشتن اخلاق نیک و ارتباط دوستانه با همه دانش آموزان بدون کوچکترین تبعیضی

بود. خصایصی چون گوش دادن به نظرات و انتقادات دانش‌آموزان، حنیدن، شوخ‌طبعی، همدلی و همدردی با دانش‌آموزان و در کل مانند یک مادر بودن برای دانش‌آموزان بسیار اهمیت داشت. چنانکه کد ۳ می‌گفت:

«معلم املاء و انشاءمان را خیلی دوست داشتیم، چون خیلی بشاش و سرزنده بود، با خنده و مهربانی با بچه‌ها صحبت می‌کرد و برای هر کار خوبی که بچه‌ها انجام می‌دادند یک پاداش در نظر می‌گرفت».

کد ۴ می‌گفت:

«یک معلم انگلیسی داشتیم که در حین کار کردن با بچه‌ها همیشه شوخی می‌کرد و همیشه کلاس را شاد نگه می‌داشت، درسی که می‌داد همیشه با خواندن شعر و آواز بود و این مسئله باعث می‌شد ما همیشه به درس توجه کنیم و بیشتر یاد بگیریم. او طوری رفتار می‌کرد که احساس نزدیکی با هم داشته باشیم. اصلاً ما احساس شاگردی نمی‌کردیم. به همین دلیل خیلی باهاش همدردی می‌کردیم...».

- **افزایش مهارت‌های اخلاقی:** همانطور که بیان شد، داشتن اخلاق و رفتار نیک برای مشارکت‌کنندگان خیلی مهم بود، به گونه‌ای که معلمانی که از اخلاق شایسته‌تری برخوردار بودند در ذهن و قلب دانش‌آموزان جایگاه والاتری داشتند، بر خلاف آن معلمانی که با تندخویی و عصبانیت با دانش‌آموزان رفتار می‌کردند و یا به تنبیه مخصوصاً تنبیه بدنی دانش‌آموزان می‌پرداختند نزد مشارکت‌کنندگان منفورتر و چه بسا تنفرآمیزتر بودند. کد ۷ می‌گفت: «معلم سال چهارممان بین بچه‌هایی که درسخوان بودند و بچه‌هایی که ضعیف بودند، تبعیض قائل می‌شد، همیشه بچه‌های درسخوان باید در صندلی جلو می‌نشستند و بقیه در صندلی عقب، خیلی اوقات یک بچه را جلوی بقیه مسخره می‌کرد، برخی معلمان هم بودند که عفت کلام نداشتند و به خود اجازه می‌دادند که هر چه می‌خواهند به بچه‌ها بگویند. برخی معلمان هم به جای اینکه الگویی باشند برای دانش‌آموزان با بدرفتاری و رفتارهای ناپسند ما را از خود دور می‌کردند...». کد ۶ می‌گفت: «یادمه سال پنجم معلم ورزش بد اخلاقی داشتیم، که سریع عصبانی می‌شد و به بچه‌ها توهین می‌کرد، پیشداوری و قضاوت‌های نادرستی می‌کرد و همیشه حق را به خودش می‌داد». کد شماره ۱۰ می‌گفت: «یک معلم

داشتیم که اگر کار بد می‌کردیم و یا درس نمی‌خواندیم ما را کتک می‌زد، گاهی اوقات اگر کار خوب هم می‌کردیم و درس را خوب جواب می‌دادیم باز ما را می‌زد». بیانات برخی دانشجویان دیگر از تجربه دوران تحصیلی‌شان در مدرسه حاکی از بدرفتاری‌های بسیار تلخ و ناگواری در این زمینه بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بررسی پدیدارشناسانه مفهوم معلمان ماندگار در تجربه زیسته دانش‌آموزی دانشجویان را هدف خود قرار داد. در بیان نتایج پژوهش حاضر خصایص یک معلم ماندگار را می‌توان در سه بعد یا مضمون اصلی اعم از بعد تعلیمی، ظاهری و مهارت‌های ارتباطی - اخلاقی قرار داد. در نتایج حاصل از بعد تعلیمی چهار زیرمضمون به دست آمد که عبارت بودند از: ۱. توجه به انگیزش پیشرفت در متعلمان، ۲. توان‌افزایی خود، ۳. متعهدبودن، ۴. بهره‌گیری از شیوه‌های متعدد و متنوع در تدریس. انگیزه پیشرفت یکی از مؤلفه‌های مهم در یادگیری دانش‌آموزان است که بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها تأثیر بسزایی دارد (تانگسلپ، ۲۰۱۲). بنابراین، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. باید گفت یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد انگیزه یادگیری و پیشرفت در دانش‌آموزان در میزان کارایی معلمان است. به عبارت دیگر، معلمان ضمن داشتن نقش پراهمیت در نظام‌های آموزشی نقش بسزایی در برانگیختن انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان نیز دارند. دانشجویان در بیان تجارب زیسته خود از دوران مدرسه به این مسئله اهمیت می‌دادند. به گونه‌ای که با بررسی و تحلیلی که در بیانات مشارکت‌کنندگان انجام شد می‌توان برخی اعمالی را که توسط معلم انجام می‌شد و دانش‌آموزان را علاقه‌مند به درس خواندن می‌کرد، یا به پیشرفت و موفقیت آن‌ها کمک می‌کرد، در این موارد دانست: دادن اعتماد به نفس به متعلمان، انگیزه‌بخشی به متعلمان، ایجاد فضای رقابت سالم میان متعلمان، تشویق کردن، وقت گذاشتن برای متعلمان و راهنمایی آن‌ها، مشارکت دادن همه متعلمان در مباحث کلاسی، فراهم کردن فضایی مملو از نشاط برای متعلمان، تشخیص‌بخشی به متعلمان، تحقیر نکردن آن‌ها و شناخت استعدادها و توانایی‌های آن‌ها. مشارکت‌کنندگان در این میان بیشتر به معلمانی تأکید داشتند که در حفظ عزت‌نفس و تشخیص‌بخشی به آن‌ها کوشیده، هیچ‌زمان آن‌ها را تحقیر نکرده و همواره در افزایش اعتماد به نفس آن‌ها نقش

مؤثری داشتند. از نظر آن‌ها معلمانی که برخلاف این موارد رفتار می‌کردند باعث دلزدگی آن‌ها از آن درس و بلکه تحصیل و کلاس می‌شدند. برخی دانشجویان تحقیر شدن توسط معلم را عاملی جدی در کاهش یادگیری و اعتماد به نفسشان می‌دانستند. روان‌شناسان معتقدند: تجربه تحقیرشدگی سبب یأس، خشم سرکوب شده، هراس اجتماعی، عدم توانایی، آشفتگی‌های روانی و ... می‌شود. نمودهای تحقیق عبارت از سرزنش کردن، طعنه زدن، آزار دادن، مسخره کردن و موارد دیگر هستند که فرد تحقیر شده را در معرض احساس ضعف، بی‌کفایتی، خود کم‌بینی و ترس از تکرار قرار می‌دهد (صادقی‌فسایی و نیکدل، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، دانشجویان تشویق شدن توسط معلم را عاملی مؤثر در افزایش درس خواندن و احساس خوبی داشتن نسبت به کلاس و مدرسه و معلم می‌دانستند، ریو^۱ معتقد است: بهترین راه برای افزایش دادن انگیزش دیگران این است که عزت نفس آن‌ها را بالا ببریم، معلمان و مربیان برای با انگیزه کردن دانش‌آموزان باید عزت نفس آن‌ها را بالا ببرند، باید کاری کنند تا آن‌ها از آنچه هستند احساس رضایت کنند، بعد چیزهای شگفت‌آوری ظهور می‌کند (ریو، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸). همچنین، پژوهش‌های حیطة یادگیری نشان می‌دهند زمانی یادگیری برای دانش‌آموزان لذت‌بخش است و مشارکت در تکالیف مدرسه را برای آن‌ها به دنبال دارد که معلمان آن‌ها راهبردهای آموزشی فعالانه را به کار بگیرند (کوهن، برودی و شوین^۲، ۲۰۰۴). تحقیقات برنرو^۳ (۲۰۰۰) نشان داد مشارکت در یادگیری لذت دانش‌آموزان برای یادگیری را افزایش می‌دهد. آنها از لحاظ تحصیلی، اجتماعی و عزت‌نفس پیشرفت می‌کنند. یادگیری فعال در ایجاد انگیزه دانش‌آموزان سهم بسزایی دارد، تا به طور فعال در درس و کلاس‌های خود شرکت کنند، مشارکت در کلاس تمایل دانش‌آموزان را به بحث و گفتگو، ارائه درک و نظرات را تشدید می‌کند. تحقیقات جامعی در این زمینه انجام شده است که ساختارهای یادگیری مشارکتی را با پیشرفت تحصیلی هم معنا می‌داند (هرمان^۴، ۲۰۱۳). بهرامی‌نیا، رحیمی و صالحی‌فر (۱۳۹۶) نیز نتیجه گرفتند یادگیری از طریق مشارکت کلاسی از جمله تبدیل کلاس درس به گروه‌های پرسش و پاسخ در دانشجویان سبب توسعه یادگیری در کلاس می‌شود. می‌توان گفت معلمان زمانی انگیزه پیشرفت را در متعلمان

-
1. Rio
 2. Cohen, Brody & Shevin
 3. Bernero
 4. Herrmann

برمی‌انگیزانند که آن‌ها را باور داشته باشند و به سمت کارهای خلاقانه و نوآورانه سوق دهند. بنابراین، با افزایش حس اعتماد به نفس آن‌ها در کاهش احساس اضطراب و شکست در آن‌ها می‌کوشند و همواره آن‌ها را مورد تمجید و تشویق قرار می‌دهند. بخشی از نتایج این قسمت هم راستا با نتایج ماجدی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۸)، کومبا و مواکب‌نجا (۲۰۱۹) و آلن و همکاران (۲۰۱۳) است.

نتایج دیگر پژوهش در این بعد حاکی از توان‌افزایی معلمان بود. در واقع، دانشجویان از معلمانی استقبال می‌کردند که دارای سواد کافی مخصوصاً در زمینه تخصص خود باشند، درس را با تسلط کافی ارائه دهند، دچار ابهام‌گویی و به لکت افتادن نشوند. وقتی معلمان سواد کافی در زمینه مبحث مورد آموزشی خود داشته باشد دچار تناقض‌گویی و ابهام‌گویی نمی‌شوند. امروزه یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد، ابهام در گفتار معلم نگرش دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و دانش‌آموزان می‌توانند بین معلمان با بیان روشن و معلمان با غیر بیان روشن یا مبهم تمایز بگذرانند. هیلر مارکوت و مارتین^۱ (۱۹۶۹) به این نتیجه رسیدند که تسلط معلم به محتوای دروس و آمادگی داشتن برای تدریس، روشنی بیان او را افزایش داده و سبب بهبود پیشرفت تحصیلی و نگرش دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین، معلمانی که مسلط به موضوع نیستند، یا بدون آمادگی در کلاس حاضر می‌شوند با به‌کارگیری اصطلاحات مبهم، سبب کاهش روشنی بیان خود می‌شوند (کردنوقابی و سیف، ۱۳۸۴، ص ۱۶). همچنین، از بیانات دانشجویان استنباط شد یک معلم مطلوب معلمی است که در فرایند آموزش هیچ‌زمان از تدریس و حرفه خود خسته نشده و ضمن تلاش و پشتکار بسیار، وقت زیادی را برای متعلمان بگذارد. در واقع، زمانی که معلم برای تدریسش از قبل وقت بگذارد و برنامه‌ریزی کند که چگونه آن درس را ارائه دهد، یا به شیوه‌ای که حتی ضعیف‌ترین دانش‌آموزان هم آن را به آسانی درک کنند می‌توان گفت هدف تعلیم به تحقق پیوسته است و نه تنها متعلمان ضعیف درس را بهتر فرا می‌گیرند، بلکه احساس رضایت و پیشرفت بیشتری هم می‌کنند. نتایج پژوهش‌های رزی و همکاران (۱۳۹۶)، ماجدی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۸)، علیزاده و جویباری (۱۳۹۵)، تورمن (۲۰۱۹)، و کومبا و مواکب‌نجا (۲۰۱۹) این امر را تأیید می‌کند.

نتایج دیگر در این بعد دستیابی به زیرمضمون متعهدبودن معلم بود. محققان عموماً صفت متعهد را به فردی اطلاق می‌کنند که به ارزش‌ها و اهداف کارش اعتقاد دارد، می‌خواهد فعالانه با کارش آشنا و فراتر از آنچه در توصیف کار به عنوان انتظار حداقلی بیان می‌شود، کار کند (فایرجن^۱، ۱۹۹۶). مطابق با نتایج تحقیقات تعهد معلم یک نیروی داخلی است که از معلمان می‌خواهد زمان و انرژی زیادی برای حفظ مشارکت در مدرسه بگذارند. معلم در جهت ارتقای مدرسه به فکر راه‌هایی برای ارتقای تدریس و ایجاد یک محیط یادگیری مؤثر است، تعهد معلم عاملی مهم برای کمک به پیشرفت دانش‌آموزان است (آلتون^۲، ۲۰۱۷). داشتن وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری معلم، منظم بودن او و سر وقت به کلاس آمدن، به بطالت نگذرانیدن وقت و دلسوزبودن و صبر و حوصله زیاد داشتن مخصوصاً در رابطه با متعلمان ضعیف‌تر از جمله موارد نشان‌دهنده متعهدبودن معلم از منظر دانشجویان بودند. این موارد برای دانشجویان از تجربه زیسته خود در دوران مدرسه بسیار مهم بودند. در واقع، این موارد جزء مواردی هستند که دانش‌آموزان بسیار به آن‌ها توجه می‌کنند و بسیار ریزبینانه معلم را در رعایت موارد فوق‌زیر نظر دارند. بر خلاف آن به بطالت گذرانیدن وقت و احساس مسئولیت‌نکردن درباره کلاس و دانش‌آموزان توسط معلم یکی از بزرگ‌ترین عوامل عدم یادگیری مطلوب و نارضایتی محسوب می‌شد. این در حالی است که مارت^۳ (۲۰۱۳) می‌گوید: تعهد یکی از عناصر اصلی یادگیری موفق است. معلمانی که به حرفه خود متعهد هستند نقش اصلی را در پیشرفت دانش‌آموزان دارند. آنها کنجکاری و علاقه دانش‌آموزان را به یادگیری افزایش می‌دهند. معلمان متعهد وظایف خود را در برابر دانش‌آموزان می‌شناسند و تلاش می‌کنند. درجه وفاداری معلمان متعهد نسبت به حرفه آن‌ها یکی از ابعاد اصلی حرفه آن‌ها است. امروزه تحقیقات متعددی افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان از جمله داشتن مسئولیت‌پذیری را مساوی با افزایش موفقیت و بالندگی دانش‌آموزان دانسته‌اند. همسوبودن این نتیجه با تحقیق تورمن (۲۰۱۹)، رزی و همکاران (۱۳۹۶) و ماجدی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۸) نیز تأیید می‌شود.

1. Fyrgon
2. Altun
3. Mart

آخرین زیرمضمون در بعد تعلیمی به بهره‌گرفتن از شیوه‌های متنوع و خلاقانه تدریس اشاره می‌کند. در واقع، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در یادگیری مطلوب دانش‌آموزان استفاده از شیوه‌های متعدد و متنوع و به عبارتی خلاقیت داشتن در امر تدریس و کلاس‌داری است. می‌توان گفت معلمی که درسش را با روش سخنرانی یا کاملاً با منفعل نگهداشتن متعلمان ارائه می‌دهد و همچنین، از شیوه‌های تدریس نوین استفاده نمی‌کند معلم اثربخشی نیست. زیرا یادگیرندگان دارای سطوح مختلف شناختی هستند، برخی مطلبی را زودتر درک می‌کنند و برخی دیگر با زمان بیشتری آن را درک می‌کنند. تمامی این موارد باید مورد توجه معلمان باشند، آن‌ها باید ابتدا با ویژگی‌ها و خصوصیات ادراکی، شناختی و تحصیلی هر دانش‌آموزی آشنایی کافی پیدا کنند و سپس با در نظر گرفتن بهترین شیوه تدریس و یا روش‌های متعدد درسشان را متناسب با همه متعلمان ارائه بدهند. از بیانات دانشجویان محرز شد شیوه‌های ایفای نقش و نمایشی از بهترین و جذاب‌ترین شیوه‌های یادگیری آن‌ها بودند. در همین راستا است که نتایج تحقیق براهویی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد روش تدریس قصه‌گویی بر تفکر خلاق و در ابعاد افزایش انعطاف‌پذیری، ابتکار، سیالی دانش‌آموزان دختر پایه ابتدایی تأثیر معناداری دارد. این مهم می‌رساند مخصوصاً در درس سخت و پیچیده که با کلی قواعد و فرمول سر و کار دارند، معلمان باید بیشتر خلاقیت به خرج دهند و سعی کنند با تفکر زیاد انواعی از روش‌ها را در یادگیری بهتر متعلمان به کار گیرند، نه آنکه از متعلمان بخواهند فقط آن‌ها را حفظ کرده و سپس، ارائه دهند. حتی اگر آن مطالب باید حفظ شوند، اما مهم چگونه حفظ کردن آن‌ها است که می‌تواند با شیوه‌های جذابی که معلم می‌تواند برای متعلمان در نظر بگیرد یادگیری آن‌ها آسانتر شود. همچنین، این نتیجه نیز همراستا با پژوهش‌های آلن و همکاران (۲۰۱۳)، تورمن (۲۰۱۹) و اکباس، کانکن و کیلک (۲۰۱۹) است.

نتایج دیگر پژوهش دستیابی به مضمون اصلی بعد ظاهری بود که دارای زیرمضمون حفظ شئون متناسب با نقش معلمی بود. بنابراین، از بیانات دانشجویان استنباط شد که یکی از ویژگی‌های معلم محبوب و ماندگار داشتن ظاهر مناسب و متناسب با نقش معلمی است. به گونه‌ای که برخی دانشجویان با گذشت سالیان سال از دوران مخصوصاً مقطع ابتدایی‌شان هنوز چگونگی ظاهر معلم از جمله لهجه، پوشش و نوع لباس پوشیدن او را به خاطر دارند. از نظر آن‌ها یک معلم ماندگار باید

ظاهری تمیز و منظم داشته باشد، به آراستگی خود اهمیت بدهد، لباس‌های روشن بپوشد، پوشش مناسب و در خوری داشته باشد و شئون اسلامی را هم رعایت کند. این مطلب در مورد معلمان ابتدایی بیشتر صدق می‌کند. در واقع، معلمان ابتدایی چون با کودکان سنین پایین تری در تعامل هستند برای حفظ نشاط و شادابی و انگیزه بخشی آنها باید بیشتر از لباس‌های رنگ روشن استفاده کنند. از طرف دیگر، معلمان به دلیل داشتن نقش الگویی و بسیار حساس خود باید تا آنجا که می‌توانند در حفظ حیا و حجاب و عفاف خود نیز بکوشند تا الگوی نیکی برای دانش‌آموزان هم باشند. کودکان مخصوصاً الگوپذیرها و مقلدان خیلی خوبی هستند و از هر آنچه معلم خود بگوید و عمل کند تبعیت می‌کنند. از این جهت معلمان هیچگاه نباید مخالف با دستورات دین مبین اسلام عمل نمایند، زیرا سبب تأثیرگذاری منفی در ذهن دانش‌آموزان می‌شوند، تا جایی که گاهی آینده آن‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتیجه‌گیری هم راستا با نتایج رزی و همکاران (۱۳۹۶) است.

نتایج دیگر پژوهش حاکی از داشتن مهارت‌های ارتباطی_اخلاقی معلمان بود که با تحلیل تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان دو زیرمضمون پذیرا بودن و افزایش مهارت‌های اخلاقی استنباط و استخراج شد. محققان معتقدند آموزش مهارت‌های ارتباطی معلمان در سطح آموزش اولیه برای حرفه معلمی ضروری است. مهارت‌های ارتباطی بخشی از شایستگی‌های ویژه معلمان هستند. معلمانی که دارای این مهارت‌ها هستند در تمامی بخش‌های فرآیند تدریس مؤثرتر عمل می‌کنند و در بهبود یادگیری دانش‌آموزان نیز نقش تعیین‌کننده دارند (زلیتک^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). در این پژوهش مواردی که دانشجویان بسیار بر آن تأکید داشتند و بیش از همه در بیاناتشان از آن اسم می‌بردند داشتن روابط دوستانه و به عبارتی، رفیق بودن با دانش‌آموزان بود. در واقع، از وظایف اصلی یک معلم ماندگار داشتن رابطه میان‌فردی مطلوب با دانش‌آموزان بود. تا زمانی که یک رابطه صحیح و مفید میان متعلمان و معلمان نباشد به طور حتم، یادگیری اثربخشی اتفاق نمی‌افتد. در پژوهش حاضر محرز گردید از جمله عواملی که می‌توانند منجر به پذیرا بودن معلم شوند، گوش دادن به نظرات و انتقادات متعلمان، شنونده خوبی بودن، همدردی با متعلمان، پذیرش بی‌قید و شرط متعلمان، انعطاف‌پذیری،

درک کردن همه جانبه متعلمان، شوخی کردن، لبخند زدن، خنده‌رو، مهربانی و محبت، احساس نزدیکی و دوستی با دانش‌آموزان، رابطه مادرانه داشتن و رابطه دوستی است. چک^۱ (۱۹۹۷) پس از پنج دهه تدریس و مدیریت مدارس ابتدایی تأثیر بسزای شوخ‌طبعی معلم بر افزایش و اثربخشی یادگیری را نتیجه گرفت. از نظر او ما در دوره‌ای هستیم که نگرش‌های سخت‌گیرانه و غم‌انگیز در تدریس باید منسوخ شود و دوره جدیدی از از نشاط، احترام و یک یادگیری شادی‌آور آغاز شود. اخیراً نیز تحقیقی که توسط محققان اندونزی انجام شده نشان داد شوخ‌طبعی معلمان وجود تنش‌ها در کلاس را کاهش می‌داد، فرایند یادگیری دانش‌آموزان و تعامل معلم-دانش‌آموز را بهبود می‌بخشید، دانش‌آموزان را تشویق به مشارکت می‌کرد و تعداد دانش‌آموزانی را که دچار خواب‌آلودگی می‌شدند، کاهش می‌داد (دیزکیا، مورنی و کیسمن^۲، ۲۰۱۹). این نتیجه نیز همراستا با نتایج سازر (۲۰۱۹)، کلکن و داگلی (۲۰۲۱)، کومبا و مواکبنجا (۲۰۱۹)، و اکباس، کانکن و کیلک (۲۰۱۹) است.

همچنین، همان‌طور که گفته شد چگونگی رابطه بین معلمان و دانش‌آموزان بسیار حساس و مهم می‌باشد و باید بر پایه‌های قوی و استوار ناشی از احترام و اعتماد متقابل و همچنین، در بالاترین استانداردهای اخلاقی بنا نهاده شود، معلمان برای آنکه در مسئولیت خطیری که همان هدایت دانش‌آموزان به جایگاه حقیقی خود است، موفق باشند باید سطح بالایی از شایستگی‌ها را در خود ایجاد کنند. در بیانات دانشجویان دریافت گردید با کدام رفتارها از سوی معلم خود مخالف بودند و با کدام رفتارها موافق. بنابراین، از جمله رفتارهای شایسته معلمان از نظر آن‌ها عبارت بودند از: داشتن عفت کلام، سرزنش نکردن، تنبیه نکردن، گذشت کردن، تمسخر نکردن، پیش‌داوری نکردن، قضاوت نادرست نکردن، تعمیم‌دادن احساسات شخصی نادرست به متعلمان، عیب‌جویی نکردن، داشتن صبر و حوصله کافی، دوری از کبر و غرور، عصبی نبودن، چغلی نکردن، مستبد نبودن، عیوس نبودن، دوری از خشونت، داشتن خلوص نیت، عدالت‌محوری، تبعیض نگذاشتن، احترام به حقوق متعلمان، تلاش در حل مشکلات متعلمان، رازداری، نصیحت کردن دلسوزانه، صداقت داشتن، خوش‌خلقی، خوش‌برخوردی، احترام متقابل، اقتدار همراه با احترام، اقتدار همراه با مهربانی.

1. Check

2. Dzakia, Murni & Kisman

دانشجویان از معلم عصبی و تندمزاج و مستبد متنفر بودند و چنین معلمانی را شایسته معلمی و الگوپذیری نمی‌دانستند. تبعیض گذاشتن عوامل مدرسه میان دانش‌آموزان چه از لحاظ طبقه‌گرایی و چه از لحاظ تبعیض میان دانش‌آموزان ضعیف و قوی‌تر مورد مذمت شدید مشارکت‌کنندگان بود. بیانات برخی دانشجویان از تجربه دوران تحصیلی‌شان در مدرسه پرده از حکایت‌های بسیار تلخ و ناگواری در رابطه با سوء رفتار کلامی و رفتاری با دانش‌آموزان را در این زمینه برمی‌داشت. بنابراین، یک معلم حقیقی و ماندگار معلمی است که سعی در ایجاد فضیلت‌های اخلاقی در خود کند و اجازه ندهد هوای نفس و غرور و خودخواهی او را برتر از دانش‌آموزان نشان داده و رابطه او با دانش‌آموزان را مخدوش کند. او نباید هیچگاه متعلمان خود را مورد ناسزاگویی قرار دهد، یا برخی را برتر از برخی دیگر دانسته و از اعمال و شیوه‌های نادرست استفاده کند. حفظ عزت نفس متعلمان بزرگترین عمل تربیتی در حق متعلمان است. در همین راستا، شریپا^۱ (۲۰۱۸) در تحقیق خود دریافت اخلاق حرفه‌ای معلم سبب ایجاد ارزش‌های نیکی میان دانش‌آموزان می‌شود و بر پیشرفت آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، معلم باید اصول و ارزش‌هایی در حرفه کاری خود به کار بگیرد تا به ایجاد محیطی مساعد کمک کند. ارزش‌بخشی به متعلمان می‌تواند سبب کاهش ناسازگاری و بدبینی آن‌ها و در واقع، ایجاد روابط دوستانه و کاهش اضطراب و رفع تنش شود و در افزایش اعتماد به نفس آن‌ها مؤثر باشد. این نتیجه‌گیری با نتیجه تحقیقات علیزاده و جویباری (۱۳۹۵)، ماجدی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۸)، آلن و همکاران (۲۰۱۳)، سازر (۲۰۱۹)، کومبا و مواکبجا (۲۰۱۹)، کلکن و داگلی (۲۰۲۱)، و اکباس، کانکن و کیلک (۲۰۱۹) همراستا است.

در نهایت، از تحلیل محتوای بیانات مشارکت‌کنندگان محرز شد بیشترین کدهای استخراج‌شده متعلق به بعد ارتباطی - اخلاقی بودند و این نشان می‌دهد متعلمان به چگونگی برقراری ارتباط و حفظ شئون اخلاقی معلمان در رابطه با خود توجه خاص‌تری دارند. پس از آن، بعد تعلیمی از توجه بیشتری نسبت به بعد ظاهری قرار داشت. در نهایت، بعد ظاهری هر چند تعداد کدهای کمتری را در بیانات دانشجویان به خود اختصاص داده بود، اما همچنان از اهمیت بسزایی برخوردار بود. با توجه به نتایج پژوهش، بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر توسط معلمان و متولیان امر تعلیم

و تربیت، توجه معلمان به افزایش مهارت‌های حرفه‌ای خود در جهت رشد و بالندگی دانش‌آموزان و نظام آموزشی، بهره‌گیری از شیوه‌های تدریس نوین و فعال و افزایش اخلاق حرفه‌ای در حرفه معلمی از جمله افزایش مهارت‌های ارتباطی و اخلاقی پیشنهاد می‌شود.

همچنین، به نظام آموزش و پرورش توصیه می‌شود: به‌گزینش و انتصاب معلمان با دقت نظری، بینش و درایت بیشتر (مخصوصاً در حیطه‌های علمی، حرفه‌ای، تعاملی و اخلاقی در ابعاد سواد علمی بالا، توان ارائه درس با سبک‌های پویا و تعاملی و با حفظ اصل فعال‌کردن دانش‌آموز، افزایش مهارت‌های کلاس‌داری خلاقانه به همراه تکریم متعلمان، متعهدبودن به کار و حرفه خود و مسئولیت‌پذیری بالا) پردازند. برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی به‌طور مداوم به منظور ایجاد مهارت‌های فوق و رشد حرفه‌ای در معلمان و شناسایی معلمان با مهارت‌های حرفه‌ای و اخلاقی بالا به منظور نگهداشتن آن‌ها در سیستم نیز راهگشا است.

منابع

- براهویی، داوود، دلارامی زاده، طلیمه، دلارامی، غلامحسین، و احمدکرد، بشیر (۱۳۹۵). تأثیر روش تدریس تلفیقی ایفای نقش و قصه‌گویی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد، تهران، انجمن علمی بازرگانی ایران.
- بهرامی‌نیا، سارا، رحیمی، صالح، و صالحی‌فر، شبنم (۱۳۹۶). بررسی رابطه توسعه تجربه یادگیری از طریق مشارکت کلاسی با مقوله نظم‌دهی هیجانی در دانشجویان. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۰(۱)، ۱۶۵-۱۳۸.
- پیری، موسی، و محمودی بردزردی، سعید (۱۳۹۴). تبیین افت تحصیلی بر اساس مستندات دیدگاه اعضای شورای دبیران شهرستان ایذه. نوآوری‌های آموزشی، ۱۴(۵۵)، ۱۱۱-۸۷.
- ری، جمال، امام‌جمعه، محمدرضا، احمدی، غلامعلی، و صالح، بهرام (۱۳۹۶). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش دوره ابتدایی. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۴(۱)، ۲۹-۱۵.
- ریو، جان مارشال (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۸). تعهد سازمانی معلمان و بررسی عوامل مؤثر بر آن. مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ۷(۱۷)، ۹۷-۱۲۴.
- صادقی فسایی، سهیلا، و نیکدل، نسرين (۱۳۹۴). مطالعه کیفی از نحوه درک و تصور کنشگران از مصادیق تحقیر اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۵۸)، ۵۸-۴۱.
- صافی، احمد (۱۳۸۵). مسائل آموزش و پرورش ایران. تهران: ویرایش.
- علیزاده، سهیلا، و جویباری، آزیتا (۱۳۹۵). رابطه مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه مطالعه در دانش‌آموزان ابتدایی. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۸، ۴۵-۳۲.
- قائمی، علی (۱۳۶۴). تربیت و سازندگی. تهران: امیری.
- کردنوقابی، رسول، و سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). تأثیر میزان دانش معلم از موضوع تدریس بر نحوه بیان مطالب و میزان یادگیری دانش‌آموزان. روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۲، ۲۲-۱۲.
- ماجدی، پری‌سیما سادات، نادری، عزت‌الله، و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۹۸). صلاحیت‌های معلمی متناسب با ویژگی‌های جهانی. مدیریت مدرسه، ۷(۱)، ۸۷-۱۰۴.

نوری، علی، و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). الگویی برای بهره‌گیری از روش نظریه برخاسته از داده‌ها و پژوهش‌های تربیتی. *مطالعات برنامه درسی*، ۶(۲۳)، ۸-۳۵.

- Akbas, E., Cancan, M., & Kiliç, E. (2019). Qualifications of an Effective Mathematics Teacher from the Perspectives of 5th to 8th Grade Secondary School Students. *Universal Journal of Educational Research*, 7(2), 536-549.
- Allen, J., Gregory, A., Mikami, A., Lun, J., Hamre, B., & Pianta, R. (2013). Observations of effective teacher student interactions in secondary school classrooms, *School psychology review*, 42(1), 76-98.
- Altun, M. (2017). The effects of teacher commitment on student achievement: A case study in Iraq. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 7(11), 417-426.
- Bernero, J. (2000). *Motivating Students in Mathusing Cooperative Learning*. Chicago: Illinois.
- Check, J. (1997). Humor in education. *Physical Educator*, 54(3), 22-54.
- Cohen, E., Brody, C., & Shevin, M. (2004). *Teaching cooperative learning: The challenge for teacher education*. New York: State University of New York Press.
- Dzackia, T., Murni, M., & Kisman, S. (2019). Investigating Teacher's Sense of Humor in Indonesia. *International Journal of Language Education*, 3(2), 99-114.
- Hammond, L., Hyler, M., & Gardner, M. (2017). Effective teacher professional development. *Learning Policy Institute*, 7, 127-134.
- Herrmann, K. (2013). The impact of Cooperative learning on Student engagement. *Active Learning in Higher Education*, 14(3), 175-187.
- Kalkan, F., & Dagli, E. (2021). Views of secondary school students on ideal teacher qualifications: A phenomenological analysis international. *Evaluation and Research in Education*, 10(1), 317-329.
- Komba, S., & Mwakabenga, R. (2019). Teacher professional development in Tanzania: Challenges and opportunities. *Educational Leadership*, 3, 74-87.
- Mart, C. (2013). A passionate teacher. *Internarlntional Journal of Academic Research in Progressive Education and Development*, 2(1), 437_445.
- Sherpa, K. (2018). Importance of professional ethics for teachers International. *Education and Research Journal*, 4(3), 16-18.
- Sinyolo, D. (2017). Improving teacher quality, status and conditions: The role of teacher organisations. *International Handbook of Teacher Quality and Policy*, 4, 151-161.
- Smith, D. (2006). Phenomenology, *Encyclopedia of Cognitive Science*.
- Sozer, M. (2019). Effective teacher immediacy behavioes based on students' perceptions. *University Journal of Education Research*, 7(2), 387-393.
- Strunk, K., Marsh, J., & Bruno, P. (2017). An effective teacher for every student: developing a research agenda to further. *Policy Change Paul Bruno Policy Analysis for California Education, PACE*, 7.
- Tongsilp, A. (2012). A Path Analysis of Relationships between Factors with Achievement Motivation of Students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 88, 229-238.
- Toraman, C. (2019). Effective teacher characteristics. *Asia Dretim Dergisi*, 7(1), 1-14.
- Zlatić, L., Dragana, B., Snežana, M., Milevica B. (2014). Development of teacher communication competence. *Procedure - Social and Behavioral Sciences*, 116, 606-610.